

به نام خدا

زن!

سیاست و «اضطراب پول»

تحلیلی بر پایه

رویکرد روان‌شناسی سیاسی

پژوهش و نوشته: حسین مهدوی «راوی»

سرشناسه :	مهدوی «راوی»، حسین، ۱۳۴۰
عنوان و نام پدیدآور:	زن! سیاست و «اضطراب پول» (تحلیلی بر پایه رویکرد روان‌شناسی سیاسی)
پژوهش و نوشته:	حسین مهدوی «راوی»
ویراستار:	شهربانو شاکری
مشخصات نشر:	تهران، موسسه فرهنگی هنری راوی ترانه‌های باران، نشر نکته، ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری:	۱۵۲ ص؛ ۱۴×۵/۲۱؛ ۵/۱۴ س.م.
شابک :	۹۷۸-۹۶۴-۶۵۵۴-۰۵-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۱۳۷-۱۴۸؛ همچنین به صورت زیرنویس
یادداشت:	نماینه
موضوع:	زنان -- امور مالی شخصی
موضوع:	Women -- Finance, Personal
موضوع:	زنان -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع:	Women -- Psychological aspects
موضوع:	پول -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع:	Money -- Psychological aspects
رده بندی کنگره :	HG۱۷۹
رده بندی دیویی :	۳۳۲/۰۲۴۰۰۲
شماره کتاب شناسی ملی :	۱۹۹۸
فیبا:	کتابشناسی



زن، سیاست و «اضطراب پول»
 تحلیلی بر پایه رویکرد روان‌شناسی سیاسی
 مؤلف: حسین مهدوی «راوی»
 ویراستار: شهربانو شاکری
 مترجم: روان سنج افسانه مهدوی
 صفحه آرای: شهین سپهری دانا
 طراح جلد: فهیمه اکبری
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ دوم: ۱۴۰۳

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۵۵۴-۰۵-۴

ناشر: نشر نکته - مؤسسه فرهنگی و هنری راوی ترانه‌های باران
 رایانامه: Hosseinmahdaviravi@yahoo.com
 چاپ و صحافی: الماس

پاسداشت

از افرادی که نام آنها در پی می‌آید به خاطر تلاش و همراهی صمیمانه‌شان در تدوین این کتاب سپاسگزارم و از خیراندیشان برای آنها در عین سلامتی، خواهان فرصت‌های خوب هستم.

جناب آقای خیرالله باقی‌پور، ریاست محترم مرکز امور خدمات اجتماعی و مراقبت بعد از خروج اداره کل زندانهای استان تهران.

جناب آقای بهمن درگی، معاون مرکز امور خدمات اجتماعی و مراقبت بعد از خروج اداره کل زندانهای استان تهران.

سرکار خانم زهرا ابوالحسن، مسئول مددکاری مرکز امور خدمات اجتماعی و مراقبت بعد از خروج اداره کل زندانهای استان تهران که امکان حضور مالی و زمانی مالی آزاد شده را برای انجام مصاحبه و مشاوره فراهم کرده‌اند و در بسیاری از مواقع به کمک و راهنمایی مسیر مطالعه اینجانب بودند.

سرکار خانم سیمین دخت تولایی، مددکار اجتماعی شهر تهران در محل اقامت منطقه ۱۳. همچنین از سرکار خانم افسانه مهدوی، کارشناس ارشد روان‌سنجی و مترجم متون انگلیسی. همین‌طور از سرکار خانم شهربانو شاکری کارشناس ارشد ادبیات فارسی به خاطر ویراستاری متن.

لازم است در اینجا از آقای حسین اوجانی، مدیر محترم چاپخانه پژمان و سایر همکاران ایشان از جمله آقای حسین کیهان‌پور که به مدت چهار دهه نشر نکته و آقای حسین مهدوی را به عنوان ناشر و نویسنده مورد حمایت همه جانبه قرار داده‌اند نیز تشکر شود.

فهرست

۵	 آنچه در این کتاب می خوانید
۷	 مقدمه
۹	 پیش آگاهی
۱۳	 موضوع چیست؟
۲۱	 فشار روانی برای بیشتر داشتن
۲۳	 درماندگی
۲۶	 حس وحشت
۳۲	 زن و اضطراب
۳۶	 موج مهریه خواهی
۵۰	 نمونه ای عبرت آموز
۵۶	 فهم ما از پول
۶۳	 اختلال اضطراب پول
۶۷	 آثار اضطراب پول
۷۶	 زنان عشایر
۷۸	 سیاست و توانمندی زنان
۸۵	 زنان فقیر
۹۵	 روان شناسی پول
۱۰۷	 زنان آسیب دیده
۱۱۳	 مقاله ای روشنگر
۱۱۹	 نقش سیاست و سیاستمدار
۱۳۷	 سرآغاز انگیزه مطالعه درباره اضطراب پول
۱۴۰	 پسا آگاهی
۱۴۵	 سؤالی برای ارزیابی خود
۱۴۷	 منابع
۱۴۹	 نمایه
۱۵۱	 آنچه در این کتاب می خوانید به زبان انگلیسی

آنچه در این کتاب می‌خوانید:

آنچه در این کتاب آمده است، یک بحث کارشناسی شده اقتصادی در حوزه فقر و نقد و بررسی آن نیست. موضوع، بررسی یک مؤلفه روان‌شناختی به نام «اضطراب پول» و چگونگی شکل‌گیری آن به ویژه در زنان جامعه به واسطه سیاست اقتصادی دولتها و رفتار سیاستمدار است. سیاست‌هایی که افراد جامعه به ویژه زنان، نقشی در شکل‌گیری و جهت‌دهی به آن ندارند! یعنی سیاست‌هایی که توسط دولتها و قانون‌گذاران در حوزه اقتصاد رقم می‌خورد و جاری می‌شود.

همانطور که اشاره شد، این مسئله روان‌شناختی که در جهت‌دهی رفتار افراد، روابط اجتماعی آنها، تزلزل یا قوام بخشی به شخصیت آنها بسیار تاثیرگذار است «اضطراب پول» است. مؤلفه‌ای که در میان زنان بیشتر از مردان دیده می‌شود.

این کتاب، برای پیشبرد بحث در حد نیاز به «اضطراب پول» و علت پدیدایی آن به ویژه در زنان می‌پردازد و تا اندازه‌ای که فضا مجس داده است و می‌توان با آن بحث را به شکل اقناع‌کننده‌ای پیش برد، شاهد مثال می‌آورد و به تحقیرهایی که کم و بیش در این زمینه در سایر جوامع صورت گرفته است، اشاره می‌کند.

هسته اصلی بحث، رفتارشناسی اقتصادی زنان است و ایده زنان پس از تاثیرپذیری از سیاست‌های اقتصادی، سبک زندگی‌شان چه تغییری می‌کند و رفتارشان چگونه تفاوت می‌کند و شکل می‌گیرد؟!

به همین خاطر، کتاب به آن بخش از رفتارهای سیاستمداران که به اقتصاد جهت می‌دهد و سیاست‌هایی که بدون توجه به آثارشان در سطوح زیر دست جامعه، تدوین و مصوب می‌شود، می‌پردازد.

واقعیت این است که محرک و انگیزه گروهی از جامعه به هر دلیلی انگیزه اقتصادی نیست یا به هر دلیلی تمایلی برای ورود به رقابت در عرصه‌های اقتصادی ندارند! شاید به جرأت بتوان گفت اغلب زنان شرقی در این گروه از جامعه می‌گنجند! یعنی اگر زنان به اقتصاد خانوار کمک

می‌کنند و به فعالیتهای درآمدزای محدود اقتصادی می‌پردازند، انگیزه‌شان رقابت اقتصادی و دستیابی به اهداف محض اقتصادی نیست!

گفتنی است؛ در زنان نسبت به مردان زمینه‌های آسیب‌پذیری اقتصادی بیشتری وجود دارد. هسته آسیب‌پذیری اقتصادی در زنان «اضطراب پول» است!

درباره «اضطراب پول» در کتاب به قدر کفایت توضیح داده شده است و تاثیر آن در رفتار اقتصادی زنان و اینکه آنها وقتی دچار چنین حالتی می‌شوند چه رفتاری از خود بروز می‌دهند نیز به قدر نیاز مثال‌های ملموس مبتنی بر روان‌شناسی اجتماعی ارائه شده است.

روانشناسی پول نیز به عنوان یکی از مباحث مهم مورد توجه قرار گرفته است و نظریه‌های مختلف حوزه روان‌شناسی در این باره به‌طور خلاصه و موجز آورده شده است.

نظریه توانمندسازی آن که مفردی برای گریز آنها از فقر و دهشت‌نداری است و امکان استقلال مادی و رفاه را فراهم می‌سازد از جمله نکاتی است که به آن تاکید شده است.

سرجمع می‌توان گفت خواننده گرامی پس از اینکه با دقت کتاب را خواند، با رجوع به سرگذشت اقتصادی خود، مساهد و ادگیری که در این باره داشته است به نگرشی متفاوت در حوزه سیاست، اقتصاد و زنان دست خواهد یافت و بی‌شک به این نقطه از ماجرا خواهد رسید که چگونه زنان به عنوان بخشی مهم جامعه به خاطر سیاستهای اقتصادی ناکارآمد دولتها دچار بحران و آسیب روان‌شناختی و حتی تضاد می‌شوند!

همچنین این موضوع نیز مورد توجه قرار گرفته است که زنان در خطاهای اقتصادی همسرانشان تا چه اندازه نقش دارند و با فشارهای روانی خود چگونه آنها را رقم می‌زنند!

ناگفته نماند، خلاصه‌ای از تحقیق وسیع میدانی با عنوان «ایبایی طرح بازگشت مهاجران از شهر به روستای محل اقامت قبلی» که توسط نگارنده اوایل دهه هشتاد برای نهاد حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) انجام شده است نیز در این کتاب آمده است. در فرایند اجرای این تحقیق بود که موضوع «اضطراب پول» در زنان در ذهن نگارنده نقش بست!

مقدمه

سیاستمدار؛ هر طور فکر کند و رفتار کند و دست به تدوین سیاستها با هر نگرشی بزند، جامعه نیز همانطور تاثیر می‌گیرد. اینجاست که به جرأت می‌توان گفت، فقر یک موضوع سیاسی است! هرچند در این کتاب فقر و چگونگی شکل‌گیری و کم و کیف آن موضوع بحث نیست، اما آنچه نگرش اقتصادی سیاستمدار به جامعه تحمیل می‌کند، زمینه‌ساز پدیدآوری فقر است.

یکی از مؤلفه‌های مهم فقر، فقر نگرانی از نداشتن یا تلاش بیش از حد برای داشتن است. در این مسیر فرد بر اساس ویژگیهای شخصیتی‌اش بی‌شک دچار خطا می‌شود، آن وقت است که بروز خطا با هر کم و کیفی، زمینه‌ساز فقر فرد می‌گردد.

سیاستمدارها با تدوین قوانین و جاری ساختن سیاستهای اقتصادی نامتناسب با شرایط زیست بوم جوامع، امکان خطای بیشتر را برای گروه‌ها و افراد به ویژه زنان فراهم می‌کنند؛ نکته اینکه اگر سیاستهای اقتصادی در آن جامعه، مدون نشده باشد؛ و بدتر اینکه سیاستهای اقتصادی متمرکز و در جهت منافع گروهی خاص در حوزه قدرت باشد؛ در این میان نقش جنسیتی در شکل‌دهی به خطای اقتصادی فرد و خانواده، بسیار با اهمیت خواهد بود. به عبارتی زنان بیشتر از مردان فاصله طبقاتی را درک می‌کنند و از ندانندگی و اعمال غوطه‌ور شدن در فقر دچار نگرانی و هراس می‌شوند.

گروهی از زنان برای جبران نداری‌ها، شتابزده دست به خطاهایی می‌زنند که جبران آنها برای‌شان بسیار گران تمام می‌شود. گاه این خطاها چندان هم قابل جبران نیست؛ نبود تجربه کافی در فعالیت اقتصادی، چشمداشت به نتایج آنی آنچه فعالیت اقتصادی می‌نامندش، برخورد هیجانی در مواقعی که نیاز به آرامش است، نبود و یا نقصان در تفکر اقتصادی و ناتوانی در دریافت راهنمایی برای انجام یک کار اقتصادی، نقصان در تفکر انتزاعی^۱ و ناهمپی در درک روابط بین پدیده‌های پنهان یک ماجرای اقتصادی، ضمیمه ترس آنها از نداری می‌شود و در

۱. Abstract thinking. تفکر انتزاعی آخرین مرحله شکل‌گیری نظام روان‌شناختی فرد است. همه آن‌ها دارند اما قوت وضعف و کم و کیف آن در افراد متفاوت است؛ یکی از کارهای تفکر انتزاعی فهم رابطه بین پدیده‌هاست و می‌تواند امکان پیش‌بینی را فراهم کند. برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب «روان‌شناسی سیاسی باروگر» بومی» تالیف نگارنده مراجعه کنید.

نتیجه، بخشی از زندگی، ابزار و امکان خود را می‌بازند.

گفتنی است؛ منظور این نیست که مردان دچار چنین مصائب اقتصادی نمی‌شوند و به خود، خانواده و سرمایه‌شان آسیب نمی‌زنند. به عبارتی طمع کمتر دارند و در داد و ستدها کمتر بلند پروازی‌های محاسبه نشده دارند. تفاوت زنان و مردان در خطاهای اقتصادی و آسیب رساندن به خود و دیگران در یک مرز باریک روان‌شناختی است. این مرز همان «اضطراب پول» و دچار شدن نابهنگام به آن است که زنان بنا به دلایل یادگیری، فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، جنسیتی و دلایل روان‌شناختی بیشتر دچار آن می‌شوند!

خوب است در بیان این تمایز و تاثیرپذیری جنسیتی، خواننده محترم گمان نبرد که موضوع با نگاه بعضی جنسیتی مورد بررسی قرار گرفته است. با این حال نکته مهم این است، وقتی زنان برحسب ویژگی‌های جنسیتی خارق‌العاده خود یعنی «اضطراب پول» دچار دهشت از فقر می‌شوند و در نتیجه آن به فقر سقوط می‌کنند، نقش اساسی آنها که انتقال فرهنگ، تمدن و حفظ کیان خانواده است، محو می‌افتد!

پیش‌آگاهی

قبل از ورود به موضوع اصلی، لازم است درباره روان‌شناسی سیاسی به نکاتی کلیدی اشاره کنم. وقتی قرار است از دریچه روان‌شناسی سیاسی موضوعی سیاسی، اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ آنچه در این مرحله و شخصیت سیاستمدار در هر عرصه‌ای از سیاست، مثل قانون‌گذاری، اجرا، احزاب و رده‌های مختلف اداری و سیاسی، مورد توجه است.

سیاستمدار وقتی سیاست را می‌داند و به آن قابلیت اجرا می‌بخشد، خواه‌ناخواه روی رفتار و سبک زندگی گروه‌های مختلف مردم تأثیر می‌گذارد! سنجش عمق این تأثیر در حوزه روان‌شناختی فرد و گروه و این رویه‌های مختلف مردم چگونه خود را با سیاستهای جاری شده وفق می‌دهند و نسبت به آن چه هستند، دارند، بستر شکل‌گیری این تأثیرگذاری و میزان تناسب این بستر با فرهنگ، موضوع مطالعه روان‌شناسان سیاسی^۱ است. از طرفی سیاستمداران در هر رده‌ای که فعال هستند از واکنش مردم نسبت به سیاستهای جاری تأثیر می‌پذیرند! آنها ممکن است در این فرایند دو سویه یعنی «خیزه سیاسی خود و خواسته مردم، برحسب شخصیت، انگیزه و مصلحت حزبی، مصرا نه به رفتارهای سیاسی خود ادامه دهند یا آنها را تعدیل کنند و چه بسا بی‌تفاوت از کنارشان بگذرند!

اکنون در دوره‌ای از رشد و توسعه شناختی در جوامع به سر می‌رسیم که ابزار ارتباطی، فضای بی‌تفاوتی و باری به هر جهت را بر سیاستمداران تنگ کرده است.

اکنون که این کتاب در حال تدوین است، در فرانسه که رئیس‌جمهور آن «مکرون»^۲

۱. Political Psychology روان‌شناسی سیاسی یک رشته‌فیلان درسی و یکی از شاخه‌های روان‌شناسی اجتماعی است. شاخص‌های مهم مطالعاتی این حوزه از علوم اجتماعی «بررسی تأثیر نقش انگیزه، شخصیت، فرهنگ و یادگیری در حوزه سیاست» سیاست‌تئوری و مردم‌دوست هر چند که روان‌شناسان سیاسی حلقه‌ای از مبانی جامعه‌شناسی سیاسی، تاریخ سیاسی، مردم‌شناسی، فلسفه، حقوق و اقتصاد سیاسی نیز به اندازه کافی مطلع هستند.

۲. Emmanuel Jean-Michel Frédéric Macron اودر دوم انتخابات ریاست جمهوری فرانسه (۲۰۱۷) در ۷ مه، با نتیجه قاطع برنده شد. مکرون از بازار آزاد و کاستن از کسری بودجه مالی عمومی دفاع کرده است. او علنی در گفتگویی با الموند در سال ۲۰۱۵ خود را لیبرال توصیف کرد. او افزود که «نه راست و نه چپ» است و از «یک همه‌پستی دسته‌جمعی» حمایت می‌کند. اودر بازدید از واندلر لوت ۲۰۱۶ گفت: «راست‌گویی مجبور می‌کند بگویم سوسیالیست نیستم.» او گفت به این دلیل بخشی از دولت چپ بوده که می‌خواست.

است، مردم به خاطر اعتراض به تبعیض‌های اجتماعی و فرهنگی و تبعیض نژادی به خیابانها ریخته و علیه سیاستهای تبعیض‌آمیز دولت تظاهرات می‌کنند. مردم به روشنی و بطور علنی با سیاستهای اقتصاد لیبرالی^۱ مخالفت می‌کنند! اما دولت مُصر است که سیاستهای اقتصاد لیبرالی خود را ادامه دهد. اصرار هر دو طرف موجب شده است که در خیابانها بین مردم و پلیس زدوخورد شود. از آنجایی که این روزها در همه جوامع مرسوم است هر کسی با تلفن همراه خود اقدام به ثبت و اشاعه زدوخوردهای خیابانی می‌کند؛ دولت مکرون برای جلوگیری از این کار اقدام به طرح ریزی قانونی سخت‌گیرانه در این باره کرد تا مردمی که از خشونت پلیس عکس و فیلم می‌گیرند مجازات شوند. این تصمیم دولت موجب جری شدن و خشم زائدالوصف مردم شد. البته کانه جایی رسید که دولت فرانسه ناچار شد نسبت به مصوب کردن این قانون کمی با احتیاط رفتار کند!

این تعامل، بابل پیرو گزاری در همه عرصه‌های ارتباطی بین دولتها و مردم وجود دارد! حال در جامعه‌های بنابرین سیاسی و فرهنگی یا هر چیز دیگر کم اثرتر است و در جوامعی پیشرفته و متعهد به دموکراسی دقیق‌تر و کارآمدتر است.

دولتها وقتی سیاستهای اقتصادی را در اجرا در می‌آورند، بی‌تردید بخشی از جامع‌گرایی سیاستهای خود را نسبت به گروه‌ها یا جامعه‌ها که دور از حوزه قدرت‌اند نادیده می‌گیرند یا فراموش می‌کنند! این نادیده‌انگاری هم ناشی از غفلت است و هم ناشی از زیاده‌خواهی گروه‌های فشار درون حاکمیت! هر چند رفتار تبعیض‌آمیزی که از خود چه تعریفی

— منافع عمومی کمک کند». اودر کتابش در ۲۰۱۶، «چپگراهم لیبرال توصیف می‌کند. موج جدید اعتراض علیه سیاست‌های دولت امانوئل مکرون از روز شنبه ۱۷۰ امبر ۲۰۱۸ در اعتراض به تصمیم دولت به افزایش قیمت مسوخت از سر گرفته شد. معترضان موسوم به «جیم‌ها» این روز بزرگترین بسیج عمومی‌شان متشکل از حدود ۲۸۷ هزار نفر را در ۲۰۳۴ منطقه در خیابانها و جاده‌ها تظاهرات دادند با ادامه این اعتراض‌ها در هفته بعد ۸۱ هزار نفری در روز شنبه ۲۴ نوامبر توسط جلیقه‌زدها در خیابان شانزه لیزه به سمت کاخ ریاست جمهوری صورت گرفت. در این روز برخی معترضان سرود ملی فرانسه را می‌خواندند و عده‌ای دیگر با زدن دختاب کردن مکرون در شعار هایشان، خواستار استعفای او از ریاست جمهوری فرانسه شدند. پلیس فرانسه که ۳۰ هزار تن از نیروهایش در پاریس را به حالت آماده‌باش درآورده بود، در درگیری با معترضان از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش استفاده کرد. اعتراض جلیقه‌زدها در فرانسه تا روز ۲۲ دسامبر، در مجموع ۱۰ کشته بر جای گذاشت و طی آن ۴۳ هزار تن از جمله ۲۲۲ نیروی امنیتی زخمی و همچنین حدود ۴ هزار و ۳۴۱ نفر بازداشت شدند.

۱. Economic liberalism. باور ایدئولوژیک به سازمان‌دهی اقتصاد به‌طور فردگرایانه است، به این معنا که تصمیم‌های اقتصادی به بیشترین اندازه ممکن توسط افراد و نهادهای سازمان‌های جمعی گرفته شود. با وجودی که لیبرال‌یسم اقتصادی خواهان محدود نشدن بازار به وسیله دولت است، باور دارد که دولت نقشی مشروع در تأمین کالای عمومی دارد.

ارائه داده باشند یا مردم از آنها چه خواسته باشند! با این حال امروزه دولتها هر منش سیاسی داشته باشند و حتی تظاهر به این کنند که در قالب تعاریف استاندارد شده عمل می‌کنند؛ در نهایت مثل یک بنگاه اقتصادی عمل خواهند کرد. یک بنگاه اقتصادی تنها به منافع مجموعه خود می‌اندیشد و اگر لازم باشد به گروه‌های زیر دست و نابرخوردار جامعه نفعی برساند به آنها در قالب حمایت‌های گاه و بی‌گاه نگاه می‌کند. به عبارتی بهره‌مندی از رانت‌های اطلاعاتی، اعطای فرصت‌های شغلی در حد پیمان‌های بزرگ و مشارکت در فعالیتهای اقتصادی را شامل آنها نمی‌کند! حال م‌کن است این سؤال مطرح شود، چطور گروه‌های نابرخوردار می‌توانند از چنین امتیازهایی بهره‌مند شوند؟ پاسخ این است: تنها با شفافیت و محروم کردن گروه‌های خاص چسبیده به حمایت می‌توان آنها را بهره‌مند کرد. البته شرح چگونگی این سازوکار فرصتی دیگر می‌طلبد!

یعنی دولتها به ویژه آنهایی که نظام بازار رقابتی پیروی می‌کنند، حتی آنهایی که ساز سوسیالیستی می‌زنند؛ هنگام برنام‌ریزی برای تقسیم ثروت هر چند که به کارهای بزرگ عمرانی می‌پردازند و آن را جزو افتخار خود به حساب می‌آورند؛ اما در ادبیات سیاسی‌شان، انگیزه و رفتارشان، توجه به گروه‌های نابرخوردار است! چرا که معتقدند، آنها باید بتوانند از درون جامعه سهم‌شان را برداشت کنند! غافل از این، بطور طبیعی گروه‌هایی از جامعه بنا به دلایل روان‌شناختی، جسمی و بدن‌افزاری، قادر به رقابت نیستند. دیده شده است دولتهایی که دم از حمایت از گروه‌های نابرخوردار می‌زنند، هرگز برای در جهت توانمندسازی آنها گام برنمی‌دارند؛ چون توانمندسازی به مراتب پرهزینه‌تر از کمک‌های بلاعوض است و اگر از حمایت این گروه‌ها دم می‌زنند، به خاطر وجا‌هت و آبروی سیاسی خود، گروه‌شان است!

جالب اینکه نسیم توکل عضو اتاق بازرگانی تهران در تاریخ ۱۳ اسفند ۹۹ به خبرگزاری ایلنا^۱ درباره سهم زنان در اقتصاد ایران می‌گوید: یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که دغدغه جامعه زنان فعال اقتصادی ایران است و متأسفانه هنوز مرجعی متولی آن نشده است، این است که وقتی موضوع فعالیت اقتصادی یا سهم زنان در توسعه پایدار اقتصادی مطرح می‌شود، آن متولی ببذرد که آمار و ارقام درستی با توجه به شاخص‌های صحیح اعلام کند. معاونت زنان و خانواده وجود دارد، اما بخش اقتصادی آن بسیار کم‌رنگ است و بیشتر برنامه‌ها برای زنان حمایتی است که اهدافش برای توسعه کارآفرینی یا پرداختن به مشکلات زنان است.

۱. خبرگزاری کار یا ایلنا یکی از خبرگزاری‌های رسمی است که از اسفند ۱۳۸۱ شروع به کار کرده است. این خبرگزاری، غیردولتی محسوب می‌شود و تحت حمایت خانه کارگر است. در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، به مدت ۱۴ ماه به دلیل همسو نبودن با سیاست‌های دولت به تعطیلی کشانده شد!

سیاستهای اقتصادی یک دولت بر حسب هر تعریف استاندارد و از قبل تعیین شده سیاسی، روی اتحاد جامعه تاثیر روان شناختی می گذارد. بعضی از گروه های اجتماعی انگیزه رقابت ندارند. تمایلی برای اندوختن ندارند. آنها می خواهند بطور روزمره زندگی شان تأمین باشد. بعضی از آنها دچار بیماری های صعب العلاج و یا آسیب های ناشی از کار می شوند و به عنوان نان آور خانه از دست می روند. یعنی از چرخه فعالیت اقتصادی خارج می شوند. در نتیجه خانواده دچار مشکل عیدۀ اقتصادی و بدتر از آن روان شناختی می شود. زنانی که توانمند نیستند، آموخته ای ندارند و اعتماد به نفس لازم را برای مبارزه با مشکل ندارند به یکباره ناچارند کوهی از مشکل را به دوش بگیرند؛ نتیجه اینکه دیگر نمی توانند مادران سازنده ای باشند.

سیاستهای اقتصادی دول قدرتمند در گوشه و کنار دنیا نیز همین مشکل را برای جوامع ناپرخوردار پی داد. فقر کشورهای آفریقایی ناشی از سیاستهای اقتصادی کشورهای قدرتمند است؛ تحریم های اقتصادی که خود نوعی جنگ اقتصادی است و به منظور سلطه صورت می گیرد نیز عاملی مهم در شکل دهی به مشی سیاسی دولتهای در حال مبارزه با نظام سلطه است؛ همین تاثیرپذیری به شکل حساب شده به درون جامعه دولت تحت فشار انتقال می یابد؛ تاثیرپذیری روان شناختی مردم به جامعه از سیاستهای اقتصادی حاکمانش، تنها یک تاثیرپذیری نسبی جمعی نیست؛ بلکه حسیست هم هست. یعنی در بررسی ها معلوم شده است که زنان بیش از مردان از تلاطم های اقتصادی دچار بحران های روان شناختی می شوند و متاثر از این بحران ها گرفتار خطاهای فاحش رفتار و شناختی می گردند.

«اضطراب پول» موضوعی مطالعه شده در زنان از سبب مختلف است. زنان جوامعی که گرفتار بحران های اقتصادی هستند و در گیر و دار این بحران دچار «اضطراب پول» می شوند یا اضطراب پول شان که جزئی از ویژگیهای رفتاری آنهاست، سبب می گیرد و اگر ناکارآمد باشند و در مسیر توانمند شدن فعال نبوده باشند، این نوع از اضطراب به ناکارآمدی آنها افزوده و تاثیر مخربی در روابط زناشویی، سبک زندگی و نقش مادارنه آنها می گذارد.